



ایران

عاشورا

در هفته‌ای که گذشت، مسلمانان میهن انقلابی ما سالگرد شهادت امام حسین را، که در فرهنگ و سنن مردم ما همچون مظهر آزادی و عدالت‌خواهی و نبرد علیه فساد و تزویر، زورگویی و ثروت‌اندوزی، تا واپسین مرز ایثار، جای شامخی دارد، گرامی داشتند و مراسم ماه محرم را طی تظاهرات و اجتماعات عبادی-سیاسی برگزار کردند. مجموعه این مراسم نشان داد، که اگر برخی محافل و گردانندگان مجالس گوشیدند آن را از محتوای انقلابی خود، درسیج مردم علیه ظلم و بهره‌کشی، علیه مثلث زر و زور و تزویر، تپه سازند و به برخی آئین‌های ظاهری منحصر کنند و حتی علی‌رغم اعلامیه دفتر امام در باره منع قمزنی، گوش‌هایی برای نقض این توصیه و در واقع مخدوش ساختن اعتبار آن به عمل آورند، ولی به‌طور عمده در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات و اجتماع در برابر خانه‌های شهیدان وغیره، مردم به محتوای ژرف پیام حسینی توجه داشتند و با برداشتی انقلابی، منویات قلبی خویش را در جهت زدودن بیدادگری‌ها و استثمار، در جهت استقرار عدالت و سلامت جامعه ابراز کردند.

"پل عبور دشمن"

در آستانه ماه محرم و در همین ایام، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام با رهنسبت به‌خطر ناشی از رفتن و اقدامات مسلمانان نمایان متعصب و عوامل گاه مشکوکی، که با قشری‌گری خود جاده صاف‌کن توطئه‌های دشمن می‌شوند، هشدار دادند. مجله "پیام انقلاب" ازگان سپاه پاسداران در شماره ۶۹ خود "مارفین" را "ترکیبی از تصبیب عقلی و شور و شعار وی‌شعوری" دانست و آن‌ها را "پل عبور دشمن" نامید، که با یاری آن‌ها دشمن "گودتای سیاسی خزنده‌ای را به منظور انجام انقلاب اسلامی در درازمدت" برنامهریزی می‌کند. با توجه به عملکرد بسیاری از قشربون، که آیت‌الله‌العظمی منتظری آن‌ها را "نادان و تک‌بعدی" خوانده است، و انجمن‌های ظاهرالصلاحی، که کانون ناراضی‌تراشی و خشمگین کردن مردم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران شده‌اند، این ایزدبایی، که مسلماً برای افراد ساده‌گول‌خورده این انجمن‌ها درست است، در مورد گردانندگان آن‌ها بازتاب واقعیت نیست. مجله "پیام انقلاب" مرحله اول اقدام آنان را "نفوذ و بهره‌چینی و ایجاد اختلال"، مرحله دوم را "زیرسؤال کشیدن امام و نظام" و مرحله سوم را "تکوین و تحکیم اسلام راحت‌طلب" می‌داند. مجله از خطر "عناصر متدین، اما منحط و بی‌فرهنگ و تنگ‌نظر و خشک و خشن" یاد می‌کند، که با بهره‌گیری از ناراضی‌ها و ناسامانی‌ها و با سردگی‌ها "عمل می‌کنند. مجله "پیام انقلاب" از امام خمینی نقل قول می‌کند که: "همچو افرادی هستند که می‌گویند یک حکومت مدل اصلاً نباید باشد؛ باید جلوش را گرفت تا حضرت تشریف‌بیاورند." و از قول آیت‌الله‌شهید مطهری نقل می‌کند که: "بازار تکبیر و نسبت بی‌دینی را بهر صاحب فقیسیتی رایج ساختند، اسلام را به سوی رهبانیت و انزوا کشانیدند و بازار تظاهر و ریا را رایج کردند." و باز هم این نقل نوشته امام در کتاب "حکومت اسلامی" که: "شما قبل از هر کار تکلیف این مقدس‌ماها را روشن کنید. با وجود آن‌ها مثل این است، که دشمن به‌شما حمله کرده است و بکنفر هم محکم دست‌های شما را گرفته باشد. این‌هایی که اسمشان مقدسین است، نه مقدسین واقعی، و متوجه مفاسد و مصالح نیستند، دست‌های شما را بسته‌اند و اگر بخواهید کاری انجام بدهید، آن‌ها شما را در جاده مضایع می‌کنند. شما باید قبل از هر چیز فکری برای آن‌ها بکنید."

این نوشته‌ها و نقل قول‌ها تنها نمونه‌هایی گذرا به‌نسابت ماه محرم نیست، بلکه واقعیت این است که مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بیش از پیش بی‌می‌برند، که با این "مارفین" باید حساب‌ها را روشن کرد، نباید به "پل عبور دشمن" اجازه استمرار داد، و اسلام انقلابی و تحول‌طلبی را، که به زحمتکشان تکیه می‌کند، باید از این خشک‌مقدس‌های تنگ‌نظر و خشن جدا کرد.

لازم است که همه ما به این آگاهی فزاینده در بین نمایندگان برجسته اسلام انقلابی توجه کنیم و در این‌جا نیز مظهری از نبرد خط‌ها را، که سرنوشته انقلاب وابسته به نتیجه آن است، بباییم و با تمام قوا از خط انقلابی و متکی بر زحمتکشان حمایت کنیم. این خود امام است که در دیدار با مردم، پس از حادثه هفتم تیر، می‌گوید و مجله "پیام انقلاب" در آخرین شماره خود تکرار می‌کند که: "از صدر اسلام تاکنون دو طریق و دو خط بوده است."

خطی که طرفدار بهره‌کشان و زورگویان است، به شکل‌های مختلف رخ می‌نماید: هم به شکل توجیه آشکار استثمار و اختلاف طبقاتی، هم به شکل تبری از این‌گونه "مسائل دنیوی و سیاسی" و هم به شکل همکاری مستقیم با شیطان‌ها و در عصر ما با آمریکا و پایگاه‌های طبقاتی اش-کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌زمین‌داری. بی‌پرده نیست که آیت‌الله‌مکتوبی امام جمعه تبریز هم در خطبه هفته اول محرم می‌گوید: "ای آقایان روحانیون، شماها وارث حسین هستید، نه در جمع کردن وجوهات واجبه. ما در اسلام گوشه‌نشین نداریم. چرا حرکت نمی‌کنید؟ در زمان طاغوت هم ساکت نشستید." و اضافه می‌کند: "عده‌ای هستند که وقتی منافشان به‌خطر می‌افتد، می‌گویند این چه جمهوری اسلامی است؟" حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در آخرین خطبه نماز جمعه گفت: "بعضی از آن‌ها را در گوشه و کنار می‌بینیم. وقتی یک قانون می‌آید مجلس با چیزی درباره این‌ها (کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان) می‌آید، بحث می‌کنند که این خلاف شرع است و نمی‌خواهید حق مردم را بگیرید. ما با این جور آدم‌ها طرف هستیم."

گام‌ها روشن است که خط این "آدم‌ها" و "منافشان" در مقابل خط مستضعفان، خط حمایت از منافع زحمتکشان، خط استقلال‌طلبی و آزادی‌جویی و عدالت‌خواهی قرار دارد. درهم کوفتن آن خط و تمام اجزایش و از جمله بستن "پل عبور دشمن"، ضامن پیروزی محتوای خط انقلابی و وظیفه مبرم کنونی است.

همین هفته آقای شاهچراغی نماینده مجلس در نطق پیش از دستور خویش گفت:

"این‌ها گاه با نفوذ در آموزش و پرورش و اعمال به‌ظاهر مکتبی و حزب‌اللهی باعث رنجش زیاد افراد مومن ولایت شده و به‌عکس به نالایقی‌ها فرصت عمل داده‌اند... این‌ها با این‌شویه غلط در ادارات روح تلقی را بالا می‌برند و روح واسطه‌بازی را تقویت می‌کنند و در نتیجه اعتماد مردم به مسئولان و حمایت آنان از مسئولان را بنبرند و شکست می‌کشند."

در واقع هم نابود کردن اعتماد مردم و از بین بردن حمایت مردم از انقلاب، هدف این مرحله از اقدامات چنین افرادی است، که نماینده دامغان آن‌ها را "ظاهر سازهای دروغ‌گو" می‌نامد. هنگامی که وی از "شو‌نمای جریان مشکوک و ناخالص و مغرض" صحبت می‌کند و می‌گوید: "ما هنوز پدیده نفوذ فرصت‌طلبان امروز و سازشکاران دیروز را می‌بینیم، همه‌کس می‌فهمد که وی از کدام "انجمن" سخن می‌گوید، آقای شادچراغی شیبه کار آنان را چنین توضیح می‌دهد:

"به‌حذف و انزوی نیروهای صادق و مومن انقلابی می‌پردازند و با ظاهراً استعزف‌فریبند، خویشاوندان و انقلاب‌رایی محتوی جلوه می‌دهند." و اما این جریان مشکوک و مغرض چگونه ریشه دوانیده است؟ خود دشمن، شیطان بزرگ، از زبان شریعه "گریستن ساینس‌مونیستور" ترکیب و سیاست و سلاح بخشی از آنان را چنین معرفی می‌کند:

"گروه حجتیه قشربون سرسخت‌اند. (برخی از) وزرای حکومتی (گروهی از) تجار، از آن‌ها حمایت می‌کنند. آن‌ها با شهادت به برنامه‌های اصلاحات ارضی و ملی شدن تجارت خارجی مخالفند و دو وزارتخانه آموزش و پرورش و بازرگانی را در کنترل دارند و بسیاری از مقامات که عضو گروه حجتیه‌اند، موضع مخالف کمونیسم دارند."

از دو سلاح آنان: اسلام‌نمایی و کمونیسم ستیزی-ظاهر سازی اسلام‌نمایی کم‌کم دارد شناخته می‌شود، و هرچه بیشتر شناخته شود، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام جدی‌تر و موثرتر خواهند توانست "پل عبور دشمن" را سد کنند. سلاح کمونیسم ستیزی نیز در برخورد با محک واقعیت و زنگ‌زدگی خود را بیشتر نشان می‌دهد و اولین نقطه‌های این آگاهی نیزگاهی دیده می‌شود. مثلاً مجله "پیام انقلاب" می‌نویسد:

"امپریالیسم آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ و سردهسته جنایتکاران با به‌کارگیری برکزیده‌ترین کارشناسان سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی و اتحادیک سلسله روش‌های جدید و به بهانه‌های واهی، از جمله مبارزه با خطر کمونیسم در منطقه، وارد عمل شد." برای همه انقلابیون نهایت اهمیت را دارد، که در همه صحنه‌ها، از اقتصادی و آموزشی گرفته، تا ایدئولوژیک و فرهنگی، نبرد خط انقلابی را با جریان مخالف تعقیب کنند و به‌افشای شکل و محتوای این جریان کمک کنند.

"خشم مقدس علیه آمریکا"

تا این تحلیل به‌دست رفقا و دوستان برسد و مورد بحث قرار گیرد، سالروز ۱۳ آبان نیز فرامی‌رسد. این روزها دوریگی از صفحات درخشان تاریخ معاصر ما: درگیری رویاروی ملتی انقلابی و از بند رسته با امپریالیسم آمریکا است. همه رفقا و هواداران و دوستان ما، سه سال پیش در چنین روزهایی در مرحله دوم انقلاب شرکت جستند و پایه‌های مردمی که امریمن آمریکا جهان‌خوار و توطئه‌گر را در بند کردند، در تعمیق انقلاب فعالانه سهیم بودند. آن‌ها، بی‌تردید، اینک نیز با تمام قوا هرچه رساتر فریاد "مرگ بر آمریکا" را سر خواهند داد و هنگام همه مردم در بزرگداشت آن پیروزی تاریخی خواهند

کوشید ، زیرا که هنوز هم آینده انقلاب در گرو بازگشت ناپذیر شدن سلطه آمریکا است .

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها ، که در جریان تدارک و انجام عمل تاریخی اشغال جاسوسخانه نقش موثری داشته است ، طی مصاحبه‌ای در هفته‌ای که گذشت ، گفت :

" امیدواریم آن روحیه اصلی ضد آمریکایی و ضد ستیم ملت ایران ، که از آغاز این انقلاب این ملت را هدایت کرد و امام این خشم مقدس علیه آمریکا را در دلها زنده کرد ، همچنان باقی باشد و این ملت را تا پیروزی نهایی جهت دهد ."

این ارزیابی ارزنده و این جهت‌گیری انقلابی را باید « رفقا و همه دوستان در جریان برگزاری مراسم ۱۳ آبان تکرار کنند و در سمت اتحاد با نیروهای مومن به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران و به قانون اساسی و به امر تعمیق و گسترش انقلاب ، با تمام نیرو بکوشند . قطب‌نمای اصلی ، همین جهت‌گیری ضد آمریکایی تا پیروزی نهایی و زنده نگه داشتن خشم مقدس مردم ایران علیه همه توطئه‌های گوناگون و ترفندها و دام‌های شیطان بزرگ است . آقای خوئینی‌ها در این مصاحبه گفت :

" فریاد امام ، که همه گرفتاری‌های ما به دست آمریکا است ، در گوش و دل این بچه‌ها نشست . آمریکا شیطان بزرگ است و ملت ما هر توطئه‌ای را که خنثی کند ، آمریکا به فکر توطئه بزرگ‌تری می‌افتد ."

هشاری در برابر این توطئه‌های پیاپی و رنگارنگ و اقدام عملی برای عقیم گذاشتن نقشه‌های آمریکا و برای درهم کوفتن پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی آمریکا ، وظیفه حیاتی کنونی است .

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور نیز همین هفته برجسته ضد آمریکایی انقلاب ما تکیه کرد و گفت :

" اگر امروز سیاست خبیث آمریکایی در منطقه و خارج از آن تا این حد تلاش مدبوخانه می‌کند ، فقط به این دلیل است که احساس می‌کند وجود این جمهوری و بقای این انقلاب به معنای نفی آمریکا و شوق ملت‌ها و مستضعفان جهان است ."

این سخن رئیس جمهور را در روشن‌گری‌ها و توضیحات خود برای همگان باید بازگو کنیم . اگر ما می‌خواهیم بمانیم و پیش رویم ، باید همواره و هر چه زودتر علیه دشمن اصلی خود و توطئه‌های دائما بزرگ‌تر آن بزرگیم . هستی ما در نفی اوست .

۱۳ آبان مناسب‌ترین برجسته‌ای است ، تا همه رفقا به وظایف انقلابی خود ، در جهت شناساندن هر چه عمیق‌تر توطئه‌ها و دام‌های آمریکا و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران ، در جهت عملی ساختن اصول قانون اساسی و اهداف انقلاب ، در جهت ایجاد شالوده‌های جبهه متحد خلق ، از طریق همکاری و وحدت عمل هر چه صمیمانه‌تر با نیروهای مسلمان انقلابی و خط امامی ، عمل کنند .

موربانهای انقلاب ، پل‌های عبور دشمن ، انواع دستجات راست‌تورا ، انجمن‌های مشکوک و محافل قشری و عناصر " میانه رو و معتدل " دلخواه آمریکا را فراموش نکنیم . آقای مصطفی تبریزی نماینده بجنورد ، بحق و باجا ، در همین هفته در مجلس گفت : " هدف فئده آمریکا این است که در ایران جریان‌ات به نحوی بمنفع نیروهای راست و میانه تمام شود . و این یعنی مسخ و مرگ انقلاب . و این یعنی تسلط نیروهای لیبرالی ، یا قشری ، یا جنتی‌های برانقلاب و تپه کردن آن از تمام مضمون حیات بخش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و مردمی آن ."

۱۳ آبان ، روز بروز خشم مقدس علیه آمریکا باید باقی بماند .

" قاطعیت در ترسیم خط اقتصادی "

صحنه تعیین‌کننده نبرد در عرصه‌ای که در آن‌جا باید ستون فقرات آمریکا و آبیادی‌اش را درهم شکنیم ، عرصه اقتصادی است . این حقیقت که پیروان مسدوق خط امام بارها ابراز داشته‌اند ، هر روز با جلوه بیشتری به‌کرسی می‌نشیند . بدیهی است که صداقت و اصولیت و قاطعیت را نه در حرف و وعده ، بلکه بویژه در عمل باید نشان داد . و جامعه انقلابی ما اکنون بیشتر از همیشه تشنه عمل است . همه موضع‌گیری‌ها و اظهارات درست ، تنها آن‌زمان معنا و مصداق پیدا می‌کند ، که جامعه عمل به‌خود بپوشد ، وگرنه ، بقول معروف ، باد هواست . و این چنین است که روز بروز بیشتر لزوم اتخاذ تدابیر قاطع و تدوین برنامه‌ها و قوانین بنیادی در اساسی‌ترین مسایل اجتماعی - اقتصادی حس می‌شود .

به مجلس ، که یکی از صحنه‌های تجلی نبرد بین دو خط است ، توجه کنیم :

در این هفته آقای الویری نماینده دماوند و فیروزکوه گفت : " زمان توجه دقیق و همه‌جانبه به اقتصاد و یک جهاد همه‌جانبه اقتصادی فرا رسیده است . " وی از " برنامه‌ریزی رشد و تعیین تکلیف قطعی مالکیت " سخن گفت .

این هشدارها مرتباً داده می‌شود و ضرورت عمل را - یک عمل فوری و قاطع را - نشان می‌دهد . آقای تبریزی نماینده بجنورد نیز در همین هفته گفت :

" تئور انقلابی‌ترین افراد ، که طالب تحولات بنیادی در جامعه بودند (بهشتی‌ها ، باهنرها ، رجایی‌ها ، صدوقی‌ها) به خاطر حذف نیروهای اصیل خط امام و تقویت راست‌گرایان سازشکار است ."

این گفته به‌نحو بسیار جدی و در عین حال دردناکی لزوم انجام آن تحولات بنیادی را یادآوری می‌کند ، که برای جلوگیری از انباشتن دست تبهکار ضدانقلاب ، بسیاری از مسلمانان انقلابی پیرو خط امام را از انقلاب ربوده است . و نه تنها ترسور جسنی ، که بی‌ورش عقیدتی هم همین هدف را تعقیب می‌کند ، آقای تبریزی ادامه می‌دهد :

" کسانی که با تفکرات اقتصادی آیت‌الله العظمی منتظری و شهید بهشتی و آیت‌الله مشکینی مخالفت کرده و آن را غیراسلامی و غیر شرعی جلوه می‌دهند ، آگاه یا ناآگاه در جهت همین هدف آمریکا ، یعنی ترور فکری باران واقعی امام به راست‌گرایان مطلوب غرب کمک می‌کنند ."

نتیجه‌ای که نماینده مجلس از بحث خود می‌گیرد ، نتیجه‌ای است که هر فرد انقلابی باید با آن موافق باشد و بویژه در عمل خواستار اجرائیش گردد . وی نتیجه می‌گیرد :

" دولت باید در ترسیم خط اقتصادی جمهوری اسلامی سرعت و قاطعیت به‌خرج دهد و باخلع یز از محترکین و سرمایه‌دارانی ، که با پول‌های سرگردانشان عامل تورم می‌شوند ، بمنفع مستضعفان وارد عمل بشود ."

رفقا به‌خوبی می‌بینند ، که چرا حزب توده ایران و سایر پیروان سوسیالیسم علمی از موضع‌گیری‌های مردمی پیروان راستین خط امام خمینی پشتیبانی می‌کنند ؛ این اشتراک‌نظرها و نزدیکی مواضع در گرهی‌ترین مسائل است ، که باید همواره توسط رفقا و دوستان در دید نظر قرار گیرد ، تا بتوان مشترکاً بر مواضع خصمانه دشمن و پل‌های عبور او حمله برد . ذکر جملاتی از گفته‌های این شخصیت‌ها می‌تواند به‌رفقا ، در توضیحات و بحث‌های خویش ، در این جهت باری رساند . در زمانی که پایگاه‌های اقتصادی آمریکا ، یعنی کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان ، بر اثر عدم تدوین و اجرای قوانین بنیادی و تحولات ریشه‌های ضروری ، جری شده‌اند و بیش از پیش به غارت و دستگیری پرداخته‌اند ، این توضیحات ، و فعالیت مشخصی در این جهت ، ضرورت ویژه‌ای یافته است .

در این هفته آقای هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز به تفصیل درباره گروه‌هایی از این زائولهای اجتماع و سرمایه‌داران غارتگر ، سخن گفت و نمونه‌هایی از چپاول سرمایه‌داری را با مثالی از شرکت‌های بزرگ پیمان‌کاری برشمرد . چهارسال پس از انقلاب نیز ضرورت لگام زدن بر این گرگ غارتگر و برکندن دندان جریس او کاملاً مشهود است ، زیرا که غارت از ماهیت وجودی سرمایه‌داری برمی‌خیزد ، یعنی در پناه سجاد و تسبیح هم سرمایه‌داری تواند همان کند ، که به هنگام رواج گاباره و قمارخانه می‌کرده‌است . نمونه واضح آن را از زبان آقای ملکوتی امام جمعه تبریز نقل می‌کنیم ، که در خطبه خود گفت :

" عدای بعد از پیروزی انقلاب منافعان به‌حدی بود که در تمام دوران تاریخ به اندازه این چند سال استفاده نبرده‌اند . مثلا یک فردی را می‌شناسم که در عرض چهار ماه حدود ۳۶ میلیون تومان عایدی داشته است . آیا این کار غارت نیست ؟ قاچاق نیست ؟ و اگر روزی به این آقا بگویند : از برای خدا و اسلام از منافعت چند روزی چشم پوشی کن ، خواهد گفت : این دیگر چه اسلامی است و چه جمهوری اسلامی است ؟ "

در همین زمینه آقای تبریزی در مجلس در پاسخ به مدافعان نظام سرمایه‌داری گفت :

" در اقتصاد داخلی ما هنوز شاهد به‌استضعاف کشیده شدن مردم به دست سرمایه‌داران به اصطلاح " خوب " هستیم ."

درباره بزرگ‌مالکان هم چندی پیش آقای حجت الاسلام موسوی دامغانی ، حاکم شرع هیئت‌های هفت‌نفری سمنان و شاهرود ، گفت :

" غیر از خرده‌مالک‌ها ، اگر بزرگ‌مالک‌ها هر چه دارند از آن‌ها گرفته‌شود ، باز جواب مطالبی که مرتکب شده‌اند ، ندادند ."

آنچه انقلاب به‌آن نیاز حیاتی دارد ، قاطعیت و سرعت در ریشه‌سوزی کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی است ؛ تصویب قوانین قاطع و بدون " ذبح شرعی " ، یعنی انقلابی و مطابق با منافع زحمتکشان است . جلوی اسلامی‌نمایان راستگرا و " مارفین " و قشریون را هم باید گرفت ، آقای ملکوتی گفته است :

" قوانینی که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود ، صددرصد اسلامی است و باید در تمام سطوح جامعه اجرا شود ."

این سخن پاسخ به کسانی است که می‌خواهند جلوی اکثریت خط امامی مجلس را با مترسک‌ها بگیرند و با ارباب و شاننازان که " شرعی نیست " ، شورای نگهبان تصویب نخواهد کرد ، هم مجلس و هم قانون اساسی ، و به تبع آن‌ها ، جمهوری اسلامی ایران را از اعتبار بیندازند . و این همان مرحله دوم توطئه خرنده‌ای است ، که مجله " پیام انقلاب " از آن نام برده است . و این حدت خطر و ضرورت عمل را ثابت می‌کند .

این هفته آقای هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران به یکی از مسائل حاد و مورد توجه مردم پرداخت. رئیس قوه مقننه مسئله را در مورد متخصصینی، که در خارج هستند، عنوان کرد، ولی سخنان وی اهمیت عام دارد و می‌تواند دستورالعمل کلی به‌شمار آید. البته اگر به‌این سخن عمل شود و از دایره راهنمایی و اندرز یافتار نهی و سزا، برانگیزد، ملموس بدل گردد، این رهنمود در تأمین محیط آرام اجتماعی و جلب افراد و جذب بازوها و اندیشه‌ها توسعه پایگاه اجتماعی انقلاب نقش خواهد داشت، چه رسد به نتیجه مستقیم حل مسائل تولیدی و اقتصادی و نظایر آن. امام جمعه موقت تهران گفت: "به‌برادران حزب‌اللهی می‌گویم که یک مقداری در معیارهای انتخاب همکار دست از سخت‌گیری بردارند... خیلی سخت‌گیری می‌کنند و این باعث می‌شود که بسیاری از نیروهای خوب هم از دست ما بروند. شما این کار را نکنید."

باتوجه به آنچه در تقریبا تمامی موسسات و مدارس و ادارات گذشته است و "پاکسازی"هایی که انجام گرفته و نتایج وخیمی که تا کنون به‌بار آورده، اهمیت این توصیه معلوم می‌شود. آقای رفسنجانی می‌گوید:

"به‌خودتان حق ندهید که بایک سخت‌گیری‌های غیرمنطقی مغزها و فکرها و انسان‌های سالمی را، که می‌خواهند خدمت کنند، دفع کنید... خسارت می‌زنید به این مملکت با نیازی که مملکت به نیروی کار دارد... کمتر سخت‌گیری کنید و بگذارید آن‌ها به‌پایند کار کنند." این سخنان را آن کسانی که ملاک استخدام و کار تولیدی را امتحان‌آیدتولوزیک می‌دانند، آن‌هم از نوعی کاپیت‌السمامی‌کاشانی گفت، باید بشنوند و باید به‌آن‌ها بشنوند. به این توصیه‌ها آن کسانی که از گیلان تا چهارمحال بختیاری، از مازندران تا خوزستان، از کرگان تا فارس، صد هاستم و دهبیر را بیرون یا منتظر خدمت کرده‌اند، باید گردن نهند، تا بین "اندرز نیک‌خواهانه" و "دستورالعمل مسئولانه" تفاوتی حاصل شود. کسانی که به خود جرات دادند، پزشک در حال تخصص دیدن را درست در آستانه پایان دوره تخصص اخراج کنند و کسانی که دانشجوی پزشکی را در سال آخر و حتی پس از پایان سال آخر و در آستانه آخرین امتحان، اخراج کرده‌اند، باید این سخنان را بشنوند و به‌آن عمل کنند.

همه این‌ها اهمیت و فعالیت هشدار و توصیه رئیس مجلس شورای اسلامی را نشان می‌دهد، سخنانی که به‌دل‌ها نشست، چون از یک مسئله حاد مملکتی و انقلابی و انسانی حکایت می‌کرد. امام جمعه موقت تهران گفت: "میدان برای تمام کسانی که می‌خواهند در این مملکت خدمت کنند، باز است."

به این گفته باید عمل کرد. نه‌تنها درباره آن‌ها، که به‌خارج رفت‌اند، بلکه بویژه آن‌ها که ماندند و "گاهی" جز خدمت به انقلاب و تحکیم جمهوری نداشته و ندارند. واژه "سخت‌گیری" در واقع آرام‌ترین کلمه‌ای بود، که آقای هاشمی رفسنجانی می‌توانست درباره رفتار با "غیرمکتبی‌ها"، "دگراندیش‌ها"، "متخصصین دور از سیاست" و همه کسانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند بایک تسبیح و ریش "مسلمان‌نما شوند و ریاکاری نکنند، بگویند. بین واقعیات موجود و دردناک در تمام رشته‌های فعالیت، از صنعت و کشاورزی و دامپروری گرفته تا برنامه‌ریزی و به‌داری و پزشکی را آموزش زنگر و... و این گفته که "میدان برای تمام کسانی که می‌خواهند در این مملکت خدمت بکنند، باز است" باید تطابق ایجاد شود. واقعیات ملموس و رویدادهای عینی و روزمره باید با این سخن بخواند. آقای رئیس مجلس بحق بر آن تأکید کرد. این یک مسئله مهم اجتماعی است و تنها مسئله فردی این یا آن شخص نیست. کار توضیحی فراوانی در انتظار رفق در این زمینه هست، تا تضاد فاحش این خط‌با خطی که می‌خواهد برآورد و دور کند و طرد کند و تراضی بترشد و طرز: انقلاب را مایوس و سرخورده کند، نشان داده‌شود. این خرد گامی و فعالیت است. برای علی شدن و تحقق این خط.

لواحی کارگری در جهت حمایت از قشرهای زحمتکش

این عبارت را، همان‌گونه که می‌شود حدس زد، وزیر کار نگفته است، بلکه از جمله سخنانی است که آقای موسوی نخست‌وزیر درباره بخش‌نامه مربوط به شوراها و اسلامی ایراد کرده است. بازتاب عمیق دردآلود سخنان و اعمال وزیر کار و مسئولان کذونی آن وزارت‌خانه در این هفته نیز محسوس بود، بازتابی که کارگران را مایوس و ناامید و گاه برآشفته و عصبانی می‌کند و به‌هیچ‌وجه در جهت ایجاد جز آرام در کارخانه‌ها و تحکیم امیدداری کارگران به آینده و به برنامه‌های دولت نیست، بویژه که در این اواخر عنصر تشکل‌ستیزی نیز بر آن افزوده شده است. در این شرایط بحث‌های کارگری درباره نتایج کارکنگره شوراها و اسلامی تهران همچنان ادامه دارد و کارگران با شرکت در مجامع و جلسات، شوراهای خود را تأیید و مدت اعتبار آن

را تمدید می‌کنند. اکنون مسئله ایجاد شوراها در واحدهای بزرگ نظیر ذوب‌آهن و نفت و ماشین‌سازی و تراکتورسازی و غیره، در دست‌نخور روز است، که وظیفه همگان کمک به‌حل آن و ایجاد حرکت در این زمینه‌هاست. سخنان نخست‌وزیر در این هفته باعث امیدداری کارگران شده و حتی در یکی از کارخانه‌ها شورا، در پاسخ به سؤال کتبی کارگران درباره وزیر کار، جواب داده است: "کابینه آقای موسوی مورد تأیید کامل ماست، اما وزیران نایب هم در آن هستند. در برابر تدارک قانون کار، که در فضای کامل (از کارگران و شوراها و اسلامی کارگری) تهیه شده و بنا بر آنچه از سخنان مسئولان وزارت کار برمی‌آید، بر تمام دستاوردهای طبقه کارگر ما قلم بطلان می‌کشد، کارگران بحق نگران و پرسنده هستند، بویژه که با خط دفاع از سرمایه‌داری توسط آقایان مزبور آشنایی دارند. خوشبختانه در این هفته آقای موسوی گفت:

"لواحی که در زمینه مسائل کارگری و استخدامی در دولت تصویب می‌شود، در چهارچوب موازین اسلامی و در جهت حمایت از تمام قشرهای زحمتکش و مستضعفان جامعه خواهد بود. کارگران در پشت ماشین‌ها و کوره‌ها خود را کاملا در جبهه مبارزه با آمریکا و رژیم صدام احساس می‌کنند."

آینده نشان خواهد داد که آیا این سخنان را می‌توان به‌معنای رد قوانین و مقررات تهیه‌شده توسط آقای توکلی دانست یا نه. ولی آشکار است که در این زمینه نیز خط‌ها کاملا متمایز است. هنگامی که آقای توکلی در جلسات کارگری شرکت می‌کند و بانگ اعتراض بازمزمه همه ترائف شنیده می‌شود و هنگامی که وی قبل از نماز جمعه برای ایراد سخنرانی می‌رود و بخش قابل توجهی از حضار، نماز جمعه را ترک می‌کنند، معلوم می‌شود که مردم و بویژه کارگران بیش‌از پیش به‌فداوت بین خط‌ها آگاه شده‌اند، از خط‌برداری و انقلابی و مدافع قشرهای زحمتکش دفاع می‌کنند و با خط دفاع از سرمایه‌داری مخالفت می‌کنند.

جهان

خبرهای پریشان‌ریگان - و این بزرگ

هنگامی که رونالد ریگان در اجلاس خبرسرای کشورهای شرق ناتو گفت: "ایالات متحده خود را در حال جنگ با اتحاد شوروی می‌داند"، سکوت مرکزی ریاضی تالار جلسه حکمفرما شد. حتی بهترین دوستان آمریکا از قبیل خانم تاچر و دیگران، که سر آن‌جا حاضر داشتند، نمی‌توانستند تصور کنند، که در عصر سلاح‌های هسته‌ای، ابله‌بی در جهان پیدا خواهد شد، که در منزعلیل خویش فکر جنگ را بپروراند. اما گذشت زمان نشان داد، که جمله‌ای که از دهان ریگان بیرون آمد، بازتاب واقفیت داشت تاکی از سیاست دولت آمریکا است، که هدف نهایی آن برقراری سطح از دست‌رفته امپریالیسم بانکی بر سراسر جهان، از راه اعمال زور برپایان نظام است.

نقش عمده را در تدوین این سیاست، و این بزرگ، نمایندگانی از میلیاردرها و کارگزار مجتمع صنعتی نظامی، که در حال حاضر چهره مسلط در کابینه ریگان و طراح اصلی سیاست‌های خارجی، دفاعی و مالی دولت است، به‌عهده دارد. موقعیت استثنایی و این بزرگ در کابینه ریگان از ارتباطات گسترده او با محافل سرمایه‌دانه صحرایی و سودی‌گوارت زیرفرمان او، با گسترش بی‌سابقه سابقه تسلیم‌انگیزی، به انحصارات اسلحه‌سازی، برسد، سرچشمه می‌گردد.

رئوس سیاست ماجراجویان‌دای که دارو دسته ریگان - و این بزرگ می‌خواهند، به‌انگای نیروی سلاح‌های مرکباز هسته‌ای، از پیش ببرند، در سند مشهور "رهنمود دفاعی" گنجانیده شده‌است. محتوای این سند را می‌توان چنین خلاصه کرد:

قدرت روزافزون اتحاد شوروی "آزادی" را در آمریکا و سراسر جهان به‌مخاطره افکنده است و "آزادی" را جز با محورین قدرت نمی‌توان نگاه داشت. دولت‌های سابق آمریکا بیهوده کوشیده‌اند که با قبول تشنج زدایی و "همزیستی مسالمت‌آمیز" - البته به‌اجبار - از رشد قدرت اتحاد شوروی جلوگیری کنند. "همزیستی مسالمت‌آمیز" بین ایالات متحده و متفقانش با اتحاد شوروی و متحدانش میسر نیست. دستیابی به صلح تنها در صورتی ممکن است، که آمریکا و هم‌پیمانانش بتوانند بلوک شوروی را تجزیه‌کنند و قدرت نظامی آن را از بین ببرند، و اولین گام در این جهت، برانگیختن شورش‌های ضد شوروی و ضد کمونیستی در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و جلوگیری از پیدایش نظام‌های مترقی دوست اتحاد شوروی در جهان سوم است. ایالات متحده و متفقانش باید تمام جهات دیگر سیاست خارجی خود را، از قبیل مذاکرات خلع سلاح، بازرگانی، مبارزه در راه حقوق بشر، روابط با کشورهای "دنیای سوم" تابع این هدف اصلی، یعنی سلب قدرت نظامی از اتحاد شوروی کنند. ایالات متحده باید با گشودن صحنه‌های تازه در مسابقه تسلیم‌انگیزی، سرمایه‌گذاری‌های سابق در صنایع نظامی اتحاد شوروی را باطل و بی‌اثر کند و آن‌را وادار به پذیرفتن سیستم‌های تازه اسلحه، با تکنولوژی پیچیده‌تر و تحمل هزینه‌های بیشتر کند.

ارتش شوروی در حفظ صلح جهانی پرداخت و گفت:

"اتحاد شوروی بزرگترین کشور سوسیالیستی و انظار سراسر جهان به آن دوخته است. این وضع به سیاست خارجی اتحاد شوروی مضمون و اهمیت خاصی می دهد. اوضاع بین المللی ما را موظف می سازد که در مبارزه به خاطر حفظ صلح و کاهش خطر بروز جنگ هسته ای، که بحریه را تهدید می کند، مساعی خود را دوچندان، سه چندان کنیم... محافل زمامدار آمریکا... شدت تدارکات نظامی خود را به سطح بی سابقه ای رسانده اند. در اروپا تدارکات عملی برای استقرار مرزهای امنیتی در کشورهای آمریکا در کشورهای عضو پیمان ناتو جریان دارد. تجاوز اسرائیل به خاک لبنان نیز نمره خط مشی سیاسی آمریکا است. وضع در برخی از مناطق آفریقا، آسیا، آمریکای مرکزی، به دلیل همان سیاست های آمریکا، به شدت رو به وخامت رفته است. آمریکا می خواهد از آن خود را بر سراسر خلیج فارس تحمیل کند. جنبه ماجراجویانه این سیاست و خشونت و خودخواهی استوار نشده. بوجبات خشم فزاینده مردم بسیاری از کشورها، از جمله متحدان آمریکا، را فراهم ساخته است. اکنون در سیاست جهانی دو خط مشی روبروی یکدیگر قرار دارند: ایالات متحده و پیروانش می کوشند اوضاع جهان را هر چه بیشتر متشنج تر و تیره تر کنند... آن ها برای کسب برتری نظامی به مسابقه تسلیحاتی بی نظیری، به ویژه در سلاح های هسته ای، پرداخته اند. امپریالیسم به این راه گام نهاده است و بدون احساس مسئولیت سرنوشت ملت ها را به بازی می گیرد. خط مشی اتحاد شوروی، خط مشی تشنج زدایی و تقویت امنیت بین المللی است و آن را دنبال خواهد کرد. سیاست ما به قدرت اقتصادی و نظامی واقعی اتحاد شوروی، به پشتیبانی کامل و نامحدود توده های مردم، به دوستی محکم و اتحاد رزمی با کشورهای متحد و دوست متکی است و به همین دلیل تنها حرف نیست و موثر واقع می شود.

لئونید برژنف با ابراز رضایت از سطح آموزش و آمادگی نیروهای مسلح شوروی، اظهار داشت که مردم شوروی از صرف نیرو دریغ نمی ورزند، نارتش خود را به جدیدترین جنگ افزارها و تکنیک جنگی مجهز کنند و نیروهای مسلح اتحاد شوروی که "عامل نیرومند حفظ صلح و امنیت و وسیله اطمینان بخش برای مهار کردن نیروهای تجاوزگر هستند، بتوانند این هدف های خود را به بهترین وجه تحقق بخشند."

نطق برژنف در برابر فرماندهان عالی رتبه ارتش شوروی در حقیقت هشدار مجدد به محافل جنگ طلب آمریکا است، که سیاست ماجراجویانه مداخله در امور سایر کشورها و محو نظام سوسیالیستی را در سر می پروراند، سیاستی که پیوسته با مقاومت بیشتری از سوی خلق ها، حتی در خود آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی روبرو می شود.

انتخابات اسپانیا

انتخابات اسپانیا یکی دیگر از انتخاباتی بود که طی چند سال اخیر در اروپای غربی انجام گرفت و نتایج نومی بدکننده ای برای نیروهای سیاسی راست گرا به وجود آورد. حزب سوسیالیست اسپانیا توانست با به دست آوردن اکثریت کرسی های پارلمان، در رأس حکومت قرار گیرد. پیروزی سوسیالیست ها در انتخابات اسپانیا، که به دنبال پیروزی ائتلاف چپ در فرانسه، سوئد و یونان روی داد، به ویژه از آن لحاظ حائز اهمیت است، که مردم اسپانیا، پس از یک دوران متند دیکتاتوری فاشیستی، زمام امور کشورشان را به حزب سوسیالیست واگذار می کنند، حزبی که بیش از ۴۰ سال جزو احزاب "ممنوعه" بوده است.

پیروزی حزب سوسیالیست اسپانیا یکبار دیگر نشان می دهد که حکومت های فاشیستی، چه از نوع قدیمشان مانند دیتلر و چه از نوع تازه شان، مانند حکومت ریگان، تنها هنگامی می توانند باقی بمانند که به زور سرنگون پلیس متکی باشند.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

پرسش و پاسخ ۱۷ مهر ۱۳۶۱

سرنوشت انقلاب در گروی نظام اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب و ضدانقلاب در جهان معاصر

۱۳۶۱/۸/۸

چون قدرت اتحاد شوروی به حدی رسیده است، که می تواند در سراسر جهان وارد عملیات نظامی شود، درگیری در هر نقطه جهان به سرعت می تواند به درگیری جهانی تبدیل شود. بنابراین ایالات متحده باید بتواند در آن واحد در چند جنبه، با تعیین اولویت های ناشی از منافعی که در ناخن مختلف دارد، وارد نبرد شود. خاورمیانه در رأس این مناطق جای دارد. حضور آمریکا در خلیج فارس حائز اهمیت عمده استراتژیکی است. ایالات متحده باید با رژیم های "میانرو" عرب روابط نظامی نزدیکتری داشته باشد و بتواند نیروی نظامی بزرگی را با سرعت به این منطقه منتقل کند و در پذیرش خواست های اعراب، در ارتباط با اسرائیل و مسئله فلسطین، "نرمش" بیشتری نشان دهد. چون آمریکا قادر نیست در تمام صحنه های عملیاتی برتری نظامی داشته باشد، باید حمله متقابل خود را به مناطقی نظیر کوبا یا ویتنام، که شوروی ها در آن جا "آسیب پذیر" ترند، منتقل کند. این استراتژی مستلزم درگیری به مقیاس وسیع در آن واحد، در چند نقطه و در چند جبهه است، از این رو ایالات متحده باید نیروهای دائمی به مراتب بیشتری، به ویژه نیروی دریایی و دریا - خشکی بزرگتری در اختیار داشته باشد. در "رمدنود دفاعی"، این افزایش برای نیروی زمینی و تفنگداران دریایی ۵۴٪، نیروی هوایی ۵۸٪ و نیروی دریایی ۶۹٪ پیش بینی شده است. هزینه تقویت این نیروها طی ۷ سال آینده ۲۵۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. چون مدت جنگ با اتحاد شوروی و انواع سلاح های رای، که در آن به کار گرفته می شود، از قبل به طور معین نمی توان تعیین کرد، ایالات متحده باید خود را برای یک جنگ دراز مدت هسته ای آماده کند و زرادخانه هسته ای خود را، در تمام انواع آن، به ویژه در موشک های بالستیک قاره پیمای "ام-ایکس"، موشک های قابل پرتاب از زیر دریایی و بمب افکن های دور پرواز "بی-۱" قادر به حمل سلاح های هسته ای، تقویت کند. برای این که ایالات متحده بتواند در یک جنگ متد هسته ای "بهروز" شود، به ایجاد پست های فرماندهی زیر زمینی و تاسیسات ارتباط و کنترل قابل دفاع در برابر حملات هسته ای نیاز دارد، که باید آن را با صرف هزینه ای معادل ۱۵۰ - ۲۰۰ میلیارد دلار به وجود آورد.

اینست خواب هایی که باند ریگان - و این بزرگ جهان و جهانیان دهنده اند: "بهروزی" در یک جنگ هسته ای، مداخله در هر نقطه جهان که "منافع" آمریکا در معرض خطر قرار گیرد، تحریک و برانگیختن آشوب در کشورهای سوسیالیستی، سرکوب جنبش های انقلابی در کشورهای "جهان سوم"، تحمیل اراده به متفقان اروپایی و آسیایی و آمریکای لاتین در جمیع روابطشان با کشورهای دیگر، و همه این ها به خاطر نیل به هدف "اصلی"، یعنی نابودی نظام سوسیالیستی در جهان، هدفی

که دنیای امپریالیسم از همان نخستین روز تولد این نظام نوین در - پیش گرفته و هر بار نیز با شکست روبرو شده است، ولی هم زمان با این شکست ها، مصایب بی شماری نیز برای خلق ها به بار آورده است.

سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم، به ویژه در دوران بحران های بزرگ، که ما هم اکنون شاهد یکی از شدیدترین مظاهر آن هستیم، اوج می گیرد. دولت ریگان روی یکی از طولانی ترین امواج این بحران، که از اواسط دهه گذشته شروع شده تاکنون ادامه دارد، به حکومت رسیده است. و دولت های امپریالیستی همیشه در طی تاریخ راه خروج از بحران ها را در توسعه مسابقه تسلیحاتی و کاهش هزینه های اجتماعی، سرکوب جنبش های انقلابی و دموکراتیک زحمتکشان در داخل و خارج و جنگ های تجاوز کارانه در خارج جستجو کرده اند. امروز نیز امپریالیست های آمریکایی به همین دلیل دنیا را در مرز جنگ نگاه داشته اند، جنگی که ابعاد آن، حتی به قول خودشان، قابل پیش بینی نیست، جنگی که منطقه خلیج فارس را در "اولویت" قرار می دهد.

از این جاست که جلوگیری از خطر بروز جنگ، اکنون در رأس تمام مسائل مهم جهانی قرار دارد. تنها با بسیج توده های مردم و مبارزه پیگیر در راه خنثی کردن توطئه های امپریالیستی است، که می تواند این خطر را رفع نمود.

سخنرانی لئونید برژنف در برابر فرماندهان ارتش شوروی

لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی، در نطقی که در برابر فرماندهان بلند پایه ارتش شوروی ایراد نمود، به تشریح اوضاع بین المللی و وظایف